

قرار تأمین خواسته در رسیدگی جزایی

غزاله کبیرآبادی^۱

^۱ دانشجوی دکترا حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

معمولاً جرم ارتكابی توسط متهم، خسارت و ضرر و زیان نیز به همراه دارد. شخصی که جرم علیه او واقع شده است علاوه بر تعقیب کیفری متهم، چه بسا در نظر داشته باشد برای جبران ضرر و زیان وارده بر خود که ناشی از جرم ارتكابی متهم است، از پشتوانه و تضمینات قانونی لازم بهره‌مند گردد. در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم که دادسرا متکفل آن است، درخواست شاکی برای تأمین ضرر و زیان به این مرجع تسلیم می‌گردد. البته در راستای حفظ حقوق زیان دیده این امکان در مرحله رسیدگی به دعوا توسط دادگاه نیز پیش بینی شده است. هدف از این مختصر بررسی قرار تأمین خواسته از باب کیفری و در جرایم جزایی است که با بررسی نوشتارهای سایر حقوقدانان و قوانین به تجزیه تحلیل این نهاد حقوقی پرداخته شده است تا با شناخت بهتر آن بتوان در مسیر احقاق گام مؤثری برداشت. در این مقاله، مفهوم قرار تأمین خواسته، شرایط لازم برای این درخواست و چگونگی رسیدگی به آن توسط قضات دادسرا و دادگاه بیان خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: قرار، تأمین خواسته، رسیدگی جزایی، بازپرس، ضرر و زیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در دعاوی حقوقی به منظور تضمین دست یابی خواهان به خواسته خود، در محکومیت قطعی خواننده، این امکان پیش بینی شده است که دادگاه به تقاضای خواهان اقدام به صدور قرار تامین خواسته از اموال خواننده نماید. در این صورت، اگر خواسته، عین معین باشد عین آن، و در غیر این صورت، معادل قیمت خواسته از سایر اموال خواننده توقیف می شود. در دعاوی کیفری نیز که شاکی می تواند ضرر و زیان ناشی از جرم را که به او وارد آمده است از دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم مطالبه نماید، تامین خواسته او نیز ممکن است ضرورت داشته باشد تا از اقدام متهم به انتقال اموال خود و تزییع حق زیان دیده از جرم جلوگیری به عمل آید و به همین جهت، در امور کیفری از دیر باز به شاکی این امکان داده شده است تا از مرجع تحقیق دادسرا بخواهد که برای تامین زیان های ناشی از جرم، قرار تامین خواسته صادر کند. هدف اصلی از این پژوهش بررسی موارد ضروری است که باید به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی در راستای جبران ضرر و زیان وی قرار تامین خواسته صادر نمود. در راستای هدف اصلی به بحث درباره این هدف فرعی خواهیم پرداخت که چگونه می توان از درخواست های تامین خواسته نامعقول که به ضرر متهم خواهد بود جلوگیری کرد. از این رو با سؤالاتی مواجه می شویم که اصلی ترین آن این است که شرایط لازم برای درخواست تامین خواسته در دستگاه کیفری چیست؟ آیا این درخواست در نهاد کیفری دارای همان شرایط تامین خواسته در نهاد حقوقی است؟ آیا این قرار در زمره سایر قرارهایی که از سوی بازپرس صادر می شود و باید به تأیید دادستان برسد قرار می گیرد؟ آیا این قرار همانند قرار تامین خواسته در گذشته قطعی و غیر قابل اعتراض است؟ در مقام پاسخ به این سؤالات این فرضیه ها را به اثبات خواهیم رساند که در فرضیه اصلی باید توجه داشت که قرار تامین خواسته صادر از سوی بازپرس همانند سایر قرار های که او صادر می نماید و نیاز به تأیید دادستان دارد نیست. در ادامه بحث در فرضیه فرعی اثبات می نماییم که بین قرار تامین خواسته کیفری و قرار تامین خواسته حقوقی تفاوت وجود دارد. این فرضیه را اثبات خواهیم نمود که شرایط درخواست صدور قرار تامین خواسته کیفری تابع شرایط قرار تامین خواسته مدنی نمی باشد. اثبات می نماییم که برابر مقررات قانون جدید قرار تامین خواسته کیفری از سوی شاکی به موجب قانون آیین داری کیفری جدید از سوی متهم و از سوی ثالث به موجب قانون اجرای احکام مدنی قابل اعتراض می باشد. از این رو در راستای پاسخ به این سؤالات بررسی تاریخچه این قرار و تفاوت های آن با قرار تامین خواسته حقوقی پرداخته و شرایط صدور آن را بررسی قرار می گیریم. آن جایی بحث قرار تامین خواسته در امور مدنی مورد بحث ما نمی باشد از پرداختن به آن در موارد غیر ضروری اجتناب نموده و بحث را صرفاً معطوف به موارد صدور قرار تامین خواسته در امور کیفری شده است.

مفهوم شناسی واژگان

الف: قرار

قرار در لغت، به معنی (ثبات و استوار کردن، استحکام دادن، تعیین و تاکید) و نیز (حکم محکم تخلف ناپذیر) آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲:ص ۱۵۴۱۸). و همچنین به معنای (پایدار، عهد، پیمان، پابرجا شدن و حکم موقت) می باشد (معین، ۱۳۶۰: ص ۸۴۲). در فقه فقیهان به امری که حکم درباره موضوعی بر آن استقرار می یابد قرار می گویند (انصاری و طارمی، ۱۳۸۴:ص ۱۵۱۷). در معنای اصطلاحی رأی دادگاه که قاطع دعوا نباشد و در جریان رسیدگی به منظور اقدامی یا اجرای موقت به سود یکی از اصحاب دعوا و یا دستور تحقیق در موضوعی صادر می گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸:ص ۲۸۸۸) قرار گفته می شود.

در اصطلاح متون قانونی از قرار تعریف مثبت ارائه نشده و قانونگذار به تعریف منفی اکتفا نموده است، چون تعریف جامع خالی از اشکال نیست. مؤلفین نیز، در تعریف قرار به ناچار همین راه را ادامه داده اند. در حقیقت، با توجه به ماده ۲۹۹ قانون

ماده ۲۹۹ قانون مدنی: «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم، و در غیر این صورت قرار نامیده می شود».

جدید آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور مدنی باید گفت قرار دادگاه به تصمیم (عملی) اطلاق می شود که رأی محسوب شده و منحصرراً راجع به ماهیت دعوا بوده و یا فقط قاطع آن باشد و یا هیچ یک از دو شرط مزبور را نداشته باشد؛ که به ترتیب می توان، قرار کارشناسی، قرار رد دعوا و قرار تأمین خواسته را نام برد (شمس، ۱۳۸۱؛ ج ۲، ص ۲۴۲).

ب: تأمین خواسته

«تأمین» در لغت از جمله به معنای «ایمن کردن، حفظ کردن، امن کردن...» (معین، همان، ص: ۱۷۰) آمده است. مفهوم حقوقی آن بر معنای لغوی مزبور انطباق دارد. پس «تأمین خواسته» به معنای حفظ کردن و در امنیت قرار دادن خواسته است؛ بدین معنا که خواهان می تواند، از همان ابتدا با بازداشت خواسته ی دعوا، آن را در امنیت قرار دهد، به گونه ای که نه تنها خواننده آن را نقل و انتقال داده، جا به جا و یا مخفی کرده (در مورد وجوه نقد و اموال منقول) یا ... بلکه از دسترس بستانکاران خواننده نیز خارج شود. اما تأمین «خواسته» نه تنها خواسته را به شیوه ی مزبور «حفظ» می نماید بلکه معمولاً از جمله خواننده را از به کار گیری اموال بازداشت شده (اموال منقول و وجوه نقد) محروم می نماید و در نتیجه انگیزه او را در تأخیر در ادای حق خواهان به حداقل می رساند؛ پیامدی که می تواند در همان ابتدا در برابر دعوا و موضع حق خواهان به تسلیم و سازش وادار نموده و اختلاف را فصل نماید. آنچه می تواند تسلیم و سازش مزبور را سرعت بخشد این است که چون قرار تأمین خواسته می تواند فوراً صادر و اجرا شود، مرحله اجرایی و اقدامات قهر آمیز آنکه معمولاً باید پس از پیمودن راه دراز دادرسی و گرفتن حکم قطعی آغاز شود، دست کم جزئاً از پایان راه به ابتدای آن جا به جا می شود؛ جا به جایی برق آسایی که خواننده را غافل گیر می نماید. بنابراین تأمین خواسته نه تنها آن گونه قانونگذار در نظر داشته، به عنوان «تدبیر احتیاطی» به کار می رود بلکه خواهان معمولاً آن را به عنوان شمشیر برآئی به کار می برد تا خواننده را به تسلیم و سازش وادار نماید.

در حقوق فرانسه *saisie conservatoire* را می توان معادل تأمین خواسته دانست. این آیین اجازه می دهد اموال بدهکار بازداشت شود تا نتواند از آنها استفاده نموده و یا آنها را مخفی کند. در حال حاضر به موجب قانون نهم ژوئیه سال ۱۹۹۱، خواهان می تواند افزون بر اموال منقول بدهکار، مطالبات او از اشخاص ثالث را نیز بادرستور دادگاه بازداشت کند. بازداشت اموال غیر منقول بدهکار نیز تحت شرایطی امکان پذیر است (شمس، ۱۳۸۱؛ ج ۳؛ ص ۴۱۴).

بازشناسی پیشینه صدور قرار تأمین خواسته

الف: کلیات پیشینه قرار تأمین خواسته

واژه تأمین و محتوای آن در این سوی دنیا بی سابقه و ناشناخته نبوده است. از جمله حدیث جمیل ابن دراج را به عنوان مبانی نهاد حقوقی تأمین خواسته بیان نموده اند که می فرماید: «... و لا یدفع المال الی الذی اقام البینه آلاً بکفلاء». (شمس، ۱۳۷۴-۱۳۷۵؛ ص ۱۹۱). در ایران باستان نیز در حدود هزار سال پیش از آن «داین یا مدعی می توانست بر طبق قاعده «حق ممتاز» از دادگاه حکم قبض فوری پول یا شی دیگری را (از بدهکار) با همان ارزش بگیرد... و تا زمانی که حق او پرداخت نشده به عنوان وثیقه نزد خود نگاه دارد (صانعی، ۱۳۷۹؛ ص ۴۹) این نهاد همان گونه که دیده می شود، همان است که در حقوق ما آن را «تأمین مدعی به» و سپس «تأمین خواسته» نام نهادند.

ب: پیشینه صدور قرار تأمین خواسته در آیین دادرسی کیفری

به منظور حفظ حقوق شاکی، قضات تحقیق و نیز قضات و دادرسان دادگاه ها، در صورتی که دلایل اتهام و نیز دلایل ایراد خسارت به شاکی را کافی تشخیص بدهند، موظف اند به اصدار قرار تأمین خواسته به منظور جلوگیری از ورود خسارت جبران ناپذیر به متقاضی آن اقدام کنند. صدور قرار تأمین خواسته از سوی نهاد کیفری در حقوق موضوعه ایران با تحولاتی چند مواجه بوده است؛ زیرا تا قبل از سال ۱۳۳۵ صدور این قرار از اختیارات دادگاه تلقی می شد؛ (آشوری، ۱۳۸۸؛ ج ۲؛ ص ۱۸۸) در ابتدا متن اولیه ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ صدور قرار تأمین خواسته در امور کیفری را این گونه پیش بینی کرده بود: «شاکی می تواند تأمین خسارت خود را بخواهد. مستنطق در صورتی که این تقاضای شاکی را مبتنی بر دلایل دید به محکمه جنحه رجوع نموده، تأمین خسارت شاکی را می خواهد.» از این ماده چنین استنباط می شود که مرجع صدور قرار تأمین خواسته، چه در جرائم جنایی و چه در امور جنحه ای، دادگاه جنحه بوده که به درخواست بازپرس براساس تقاضای شاکی

و وجود دلایل کافی اقدام به صدور قرار می نمود. در سال ۱۳۳۵ با اصلاح به عمل آمده در ماده مذکور، ارسال پرونده به دادگاه جنحه منتفی و صدور این قرار در صلاحیت بازپرس اعلام شد و در نتیجه، ماده مزبور بدین صورت درآمد: «شاکمی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را بخواهد. در صورتی که تقاضای شاکمی مبتنی بر دلایل باشد، بازپرس رأساً قرار تأمین خواسته را صادر می نماید».

ماده فوق پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز لازم الاجراء بود و در دادرها مورد عمل قرار می گرفت تا این که شورای نگهبان متعاقباً و پس از تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ در نظریه شماره ۴۹۷۶ مورخ ۷۲/۹/۱۱ و در به استعلام یکی از قضات شعب دادگاه های کیفری مشهد در مورد مشروعیت صدور قرار تأمین خواسته توسط بازپرس، اعلام نمود: «چون بازپرس حق حکم ندارد و توقیف (اموال متشاکمی) در واقع منع مالک از تصرف در اموال اوست، لذا شرعاً جایز نمی باشد.» (خالقی، ۱۳۹۰: ص ۱۸۷-۱۸۸) صدور قرار تأمین از سوی بازپرس را فاقد وجهت شرعی اعلام کرد و بدین ترتیب مجدداً این اقدام قضایی در صلاحیت دادگاه ها قرار گرفت. (آشوری، همان)

با تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی انقلاب در امور کیفری از سال ۱۳۷۳ و حذف دادرها، عملاً امکان صدور قرار تأمین خواسته توسط بازپرس از میان رفت و این امر در اختیار دادگاه قرار گرفت (خالقی، همان) و در ضرورت اقدام به اصدار قرار تأمین خواسته از سوی قضات دادگاه ها تردیدی باقی نماند. تا اینکه ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری که به دلیل فقدان دادرها در مرحله تحقیقات مقدماتی، برای دادگاه ها تعیین تکلیف می نمود، چنین مقرر می داشت: «شاکمی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا کند در صورتی که تقاضای شاکمی مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد، دادگاه قرار تأمین خواسته را صادر می نماید. این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض است.» قضات تحقیق به استناد بند ه ماده ۸ آیین نامه شرح وظایف قضات تحقیق مصوب ۱۳۷۴/۳/۸ مجاز شدند که به دستور دادگاه ها نسبت به اصدار قرار تأمین خواسته مبادرت ورزند. (آشوری، همان: ص ۱۸۹) ماده ۷۵ نیز در مورد مال مورد تأمین، اعلام نمود: «در صورتی که خواسته شاکمی عین معینی نبوده و یا عین معین بوده، لکن توقیف آن ممکن نمی باشد، دادگاه معادل مبلغ ضرر و زیان شاکمی از سایر اموال و دارایی متهم توقیف می کند و اگر تقاضای تبدیل توقیف اموال متهم به ضامن بشود، دادگاه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل می نماید. قرار تأمین، به محض ابلاغ، به موقع گذاشته می شود».

با ایجاد دوباره دادرها در کشور به دنبال تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱، امر تحقیقات مقدماتی مجدداً بر عهده بازپرس و دادیار قرار گرفت و با توجه به نظریه ۷۲/۹/۱۱ شورای نگهبان، اکنون می توان این پرسش را مطرح نمود که آیا این دو قاضی تحقیق حق صدور قرار تأمین خواسته را دارند یا اینکه این امر توسط آنها شرعاً جایز نیست. در پاسخ باید گفت که در هیچ یک از مقررات اصلاحی ۱۳۸۱ که به تأسیس مجدد دادرها و بیان تکالیف بازپرس و دادیار پرداخته است، ماده ای که صراحتاً حق صدور قرار تأمین خواسته را به بازپرس یا دادیار داده باشد، وجود ندارد. با این حال، از بند (ن) ماده ۳ این قانون که مقرر می دارد: «قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد در موارد ذیل قابل اعتراض خواهد بود: ۲- اعتراض به قرار های ... تأمین خواسته به تقاضای متهم ...» به طور تلویحی معلوم می شود که بازپرس حق صدور قرار تأمین خواسته را دارد که متهم می تواند به آن اعتراض نماید، و این امر در واقع منع مالک از تصرفات مالکانه خویش است، مورد ایراد شورای نگهبان قرار نگرفته و ماده فوق به همین شکل به تأیید آن شورا رسیده است. بدیهی است که با توجه به بند (و) ماده ۳ و تبصره ۵ این ماده نیز، چنانچه تحقیقات مقدماتی را دادستان شخصاً، و یا دادیار از طرف او، برعهده داشته باشند، این افراد هم حق صدور قرار مزبور را دارند و در صورت اجتماع شرایط آن، مکلف به صدور آن هستند.

بدین ترتیب هم اکنون، مرجع تحقیق در صورت تقاضای شاکمی و مبتنی بودن آن بر دلایل قابل قبول مکلف به صدور قرار تأمین خواسته است. این قرار، به استناد بند (ن) ماده قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب باید به تأیید دادستان برسد و پس از ابلاغ به متهم از سوی او قابل اعتراض است. در عین حال باید توجه داشت که اگر پرونده در دادگاه مطرح باشد و شاکمی از دادگاه تقاضای صدور قرار تأمین خواسته نماید، دادگاه در مورد این درخواست تصمیم گرفته و با توجه به صراحت قسمت

آخر ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۸۷ قرار صادره توسط دادگاه قطعی و غیرقابل اعتراض است. (خالقی، همان: ص ۱۸۹).

باتوجه به مواد ۳۴ به بعد آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اجرای قرار تأمین خواسته که از سوی قضات دادگاه ها صادر می شود به عهده واحد اجرای احکام مدنی است. قرار تأمین خواسته به محض ابداع به موقع اجرا گذاشته می شود و در صورت صدور حکم برائت از دادگاه، قرار مذکور ملغی الاثر می گردد. «شاملو احمدی، ۱۳۸۳: ص ۳۹۴»

فلسفه صدور قرار تأمین خواسته

هدف از تاسیس نهاد تأمین خواسته موارد ذیل می باشد :

- ۱- حفظ حقوق خواهان (شاکی) درحین رسیدگی ممکن است خواننده یا متهم اموال خود را به دیگری منتقل نموده و یا ترتیب دیگری اتخاذ کند که مانع اجرای حکم نهایی گردیده یا اجرای آن را با مشکل مواجه کند. بنابراین تأمین خواسته سلاحی است که از این نیت سوء خواهان یا شاکی جلوگیری می کند .
- ۲- ایجاد انگیزه برای خواننده یا متهم تا پیش از پایان رسیدگی نسبت به صلح و سازش اقدام کند و به نوعی یک حربه کارساز برای تسلیم خواننده یا متهم است.

ویژگی های تأمین خواسته کیفری

- ۱- تأمین خواسته در قالب قرار صادر می شود.
- ۲- قرار تأمین خواسته در امور کیفری صرفاً توقیف مال و در راستای تأمین ضرر و زیان مادی می باشد .
- ۳- قرار تأمین خواسته ، یک قرار احتیاطی و تمهیدی است .
- ۴- قرار تأمین خواسته موقتی است .
- ۵- قرار تأمین خواسته تبعی است. (<http://bahman9292.mihanblog.com>)

تفاوت قرار تأمین خواسته امور مدنی با قرار تأمین خواسته در امور کیفری

بین تأمین خواسته در امور کیفری و حقوقی در قوانین آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری از جهاتی تفاوت هایی وجود دارد:

۱. تأمین خواسته در امور کیفری بر خلاف امور حقوقی از نظر قانونی موکول به تودیع خسارت احتمالی نیست.
۲. در امور حقوقی، چنانچه بر دادگاه محرز شود که تقاضای تأمین جنبه ایدائی و غرض ورزی داشته است دادگاه خواهان را به سه برابر هزینه دادرسی محروم می کند. حال آنکه در امور کیفری تعیین میزان خسارت به نظر دادگاه واگذار شده است.
۳. در قرارهای تأمین جزایی، نیازی به درخواست شاکی نیست و به تشخیص دادگاه صادر می -شود گر شاکی دادخواست ضرر و زیان هم نداده باشد قاضی می تواند قرار تأمین خواسته صادر کند صدور این قرار مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست. ولی صدور قرار-های تأمین مدنی به درخواست نیاز دارد. (آشوری، همان: ص ۱۹۰)

ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی:

« در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواست های مربوط به امور حسبی به استثنای مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است. خواننده می تواند برای تأدیه خسارت ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله که ممکن است خواهان محکوم شود از دادگاه تقاضای تأمین نماید.»

ماهیت ضرر و زیان**الف: انواع ضرر و زیان**

۱. ضرر و زیان مادی: به طور کلی می توان گفت ضرر و زیان مادی قابل تقویم به پول است. این ضرر ممکن است در اثر از بین رفتن مالی و یا در نتیجه از دست دادن منفعتی باشد.

۲. منافع ممکن الحصولی که در اثر ارتکاب جرم مدعی علیه از آن محروم شده باشد. (وانوشه پور، ۱۳۸۱: ص ۲۲۳)

ب: شرایط ضرر و زیان قابل مطالبه

۱. ورود ضرر و زیان محقق باشد. یعنی ورود آن قطعی و مسلم باشد. ضرر و زیان احتمالی به لحاظ اینکه هنوز به وجود نیامده و تحقق آن مسلم نیست قابل جبران نمی باشد.

۲. اختصاصی و غیرمتعارف باشد. یعنی شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی از آن متضرر شده باشند. بنابراین ضرری که جنبه عام و کلی داشته باشد قابل جبران نخواهد بود. همچنین ضرر و زیان ناشی از وقایع عادی و اعمال متعارف که در زندگی اجتماعی اتفاق می افتد قابل جبران نیست.

۳. به آن قسمت از وضع حقوقی افراد که مورد حمایت قانون است وارد آمده باشد. یعنی مقنن وضع قانونی و مشروع افراد را مورد حمایت خود قرار می دهد به سخن دیگر هر گاه منافع مشروع افراد از بین برود قانونگذار به حمایت زیان دیده می آید و دستور به ترمیم آن می دهد.

۴. با جرم ارتكابی رابطه سببیت داشته باشد. یعنی ضرر و زیان باید معلول جرم باشد تا بتوان آن را در دادگاه جزایی مورد رسیدگی و حکم قرار داد. (آخوندی، ۱۳۷۷: ص ۳۶۱)

قرار تأمین ضرر و زیان در پرونده کیفری براساس قانون آیین دادرسی جدید**الف: انواع قرار های تأمین مدنی در پرونده کیفری**

قرار تأمین مدنی در پرونده کیفری دو نوع هستند: یکی قرار تأمین موضوع ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری و دیگری قرار تأمین موضوع ماده ۱۰۸ قانون مذکور که مربوط به توقیف عین معین است. در قرار تأمین مدنی (ضرر و زیان) در پرونده کیفری صدور قرار مستلزم اخذ خسارت احتمالی از شاکی نیست؛ اما در پرونده های مدنی حسب مورد صدور قرار تأمین خواسته می تواند متوقف بر اخذ خسارت احتمالی از خواهان باشد. (مهاجری، همان: ص ۳۹۱) اما از آن جا که قرار تأمین خواسته ممکن است سبب ورود خسارت به صاحب مال شود. برای پیشگیری از چنین مواردی اگر شاکی خواستار توقیف مال منقول یا غیر منقول متهم شود، به دستور مقام قضایی باید قبل از صدور قرار مذکور مبلغی وجه نقد بابت تضمین خسارت احتمالی به متهم به صندوق دادگستری واریز نماید. به عنوان مثال کسی که از دیگری کلاهبرداری کرده و با وجه حاصل از کلاهبرداری مالی را خریداری کرده است. شاکی از قاضی تقاضای توقیف آن مال را می نماید و قاضی هم قبول می کند. در اینجا شاکی باید معادل ۱۰٪ یا ۲۰٪ ارزش مال توقیف شده به تشخیص قاضی به صندوق دادگستری بپردازد تا چنان چه ادعایش رد شد، یعنی در مورد اتهام متهم قرار منع تعقیب یا حکم صادر شد، خسارتی که از قبل توقیف مال برای متهم ایجاد می شود جبران گردد. «گلدوست جویباری، ۱۳۹۵: ص ۱۸۳-۱۸۲»

ب: شرایط صدور قرار تأمین خواسته

قرار تأمین خواسته ای که در امور کیفری صادر می شود تابع موارد چهارگانه مذکور در ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی نبوده و کافی است که مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد. به این معنا که دلایل کافی حاکی از ارتکاب عمل توسط متهم، ورود ضرر به شاکی و انتساب این عمل به متهم وجود داشته باشد.

هر چند صدور قرار تأمین خواسته به طور سنتی در مورد خسارات مالی ناشی از جرم معمول بوده است، اما در حال حاضر، با پیش بینی دیه در قبال صدمات بدنی در قوانین فعلی، هیچ منعی وجود ندارد که در مورد جرمی مستوجب دیه یا ارش است، مرجع قضایی به تقاضای شاکی اقدام به صدور قرار تأمین خواسته نماید.

با توجه به اینکه تنها قرار های نهایی و قرار های تأمین منجر به بازداشت صادر شده توسط دادیار باید به نظر دادستان برسد (ماده ۹۲)، نه قرار های مقدماتی نظیر قرار تأمین خواسته، بنابراین، به طریق اولی قرار تأمین خواسته ای هم که بازپرس به عنوان مقامی برخوردار از استقلال بیشتر در برابر دادستان صادر می کند، نیازی به موافقت دادستان ندارد. (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰)

به دلالت ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری شاکی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را از مرجع قضائی تقاضا کند و در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، به نفع او قرار تأمین خواسته از اموال متهم صادر می شود. در ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری اختیار صدور قرار تأمین به بازپرس داده شده است. سوال این است که آیا دادیار نیز می تواند قرار تأمین خواسته صادر کند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت، در غیر از جرایم مربوط به صلاحیت خاص رسیدگی بازپرس در صورتی که رسیدگی تحقیقاتی به دادیار ارجاع شود، دادیار نیز چنین اختیاری خواهد داشت. شایان ذکر است در نظریه شماره ۴۹۷۶-۷۲/۹/۱۱ شورای نگهبان قبلاً حتی بازپرس را نیز مجاز به صدور قرار تأمین خواسته نمی دانست. در نظریه مزبور چنین اعلام شده بود: «چون بازپرس حق حکم ندارد و توقیف در واقع منع مالک از تصرف در اموال اوست لذا شرعاً جایز نمی باشد». نظریه مذکور در زمان حاکمیت مواد ۶۷ و ۶۸ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۱ صادر شده بود؛ با این توضیح که متن این دو ماده با اندک اصلاحات در حال حاضر در مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است. اما همانگونه که بیان شد قانون اخیر اختیار صدور قرار تأمین را به بازپرس داده است. قبل از قانون جدید آیین دادرسی کیفری ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به دادسرا اجازه داده بود قرار تأمین خواسته صادر کند و این قانون مورد تأیید شورای نگهبان نیز واقع شده بود. این امر به منزله عدول شورای نگهبان از نظر قبلی شورا بود. به هر حال قاضی دادسرا می تواند قرار تأمین خواسته صادر کند. دلیل این مطلب بند «ج» ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری است که در آن صریحاً قرار

ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی: «ماده ۱۰۸ - خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

الف - دعوا مستند به سند رسمی باشد.

ب - خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد.

ج - در مواردی از قبیل اوراق تجاری و اخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد.

د - خواهان، خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً به صندوق دادگستری بپردازد.

تبصره - تعیین میزان خسارت احتمالی، بادر نظر گرفتن میزان خواسته به نظر دادگاهی است که درخواست تأمین را می پذیرد. صدور قرار تأمین موکول به ایداع خسارت خواهد بود.

بند ج ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرار های بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: ... ج - قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم.»

تأمین خواسته صادره توسط بازپرس قابل اعتراض دانسته شده است. ذکر قابلیت اعتراض قرار حاکمی است که صدور قرار در دادسرا نیز ممکن است. در این ارتباط باید گفت: قرار تأمین ضرر و زیان یک قرار مدنی است؛ برخلاف قرارهای مذکور در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که قرارهای تأمین کیفری هستند و تفاوت اصلی بین قرارهای تأمین جزایی و قرارهای تأمین مدنی آن است که در قرارهای تأمین جزایی نیازی به درخواست شاکی نیست و به تشخیص مقام قضایی صادر می شود؛ ولی صدور قرار تأمین مدنی به درخواست نیاز دارد.

حتی اگر شاکی دادخواست ضرر و زیان نداده باشد، می تواند قرار تأمین خواسته درخواست کند. صدور این قرار مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست در حالی که اگر پرونده کیفری نبود و درخواست تأمین خواسته مطرح می شد، باید هزینه آن از درخواست کننده اخذ می گردید. (مهاجری، ۱۳۹۴: ص ۲۸۹-۳۹۱)

ج: زمان طرح تقاضای تأمین خواسته

شاکی پرونده در زمان های مختلفی می تواند تقاضای تأمین ضرر و زیان خود را مطرح کند. این تقاضا چه بسا در زمان طرح شکایت کیفری یا در زمان جمع آوری دلایل و مدارک یا در زمان دادرسی در دادگاه باشد.

۱: درخواست تأمین خواسته در زمان شکایت

ممکن است در زمان شکایت تقاضای تأمین ضرر و زیان نماید. سوال این است که به صرف شکایت، دادیار یا بازپرس با تکلیفی مواجه می باشند یا خیر؟ پاسخ آن است که در آن زمان تکلیفی به صدور قرار نخواهد داشت زیرا همانگونه که در ماده

ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «ماده ۲۱۷- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده^۵ برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می کند:

الف - التزام به حضور با قول شرف

ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف

ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام

ث - التزام به معرفی نوبه ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله

خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

تبصره ۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می شود.

تبصره ۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه قضائی با اجازه قاضی ممکن است.

تبصره ۳- در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضائی تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.»

۱۰۷ بیان شده است تقاضا باید مبتنی بر ادله قابل قبول باشد و در حالی که هنوز رسیدگی تحقیقاتی نشده و در چایی که ادله شاکی ارزیابی نشده، چگونه می توان آنها را قابل قبول دانست. البته اگر در زمان شکایت دلایل نیز قابل قبول باشد صدور قرار ممکن خواهد بود مشروط بر این که بدون ارجاع شکایت به مرجع انتظامی رسیدگی تحقیقاتی به آن یکی از دادیاران یا بازپرسان دادسرا محول شده باشد. به عنوان مثال اگر شکایت راجع به صدور چک بی محل باشد که معمولاً در زمان شکایت فتوکپی مصدق چک و گواهی عدم پرداخت ضمیمه می گردد، در این صورت باید گفت شکی نیست که اگر درخواست تأمین خواسته نیز نشده باشد دادسرا باید به میزان ضرر و زیانی که شاکی مدعی ورود آن است، رسیدگی کند؛ زیرا مابق ماده ۲۱۹^۶ قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی به میزان ضرر و زیان از جهت تأثیر آن در میزان ریالی قرار تأمین کیفری اخذ کفیل و وثیقه نیز لازم است. نتیجه این که پس از شروع تحقیقات اگر به اعتبار امر کیفری دلایل و مدارکی بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم و همچنین ورود خسارت به شاکی به دست آید در مورد درخواست شاکی قرار تأمین خواسته صادر می شود. به هر حال اگر در زمان شکایت دلایل و مدارک مبتنی بر ارتکاب جرم و ورود ضرر و زیان به شاکی وجود داشته باشد، به اعتبار وجود دلایل، نه به اعتبار شکایت، امکان صدور قرار تأمین خواسته خواهد بود.

۲: درخواست تأمین خواسته در جریان تحقیقات

در حالی که دادسرا مشغول تحقیقات مقدماتی از قبیل تحقیق از گواهان یا معاینه یا تحقیق محلی یا کارشناسی است، ممکن است شاکی تقاضا نماید تا به نفع او قرار تأمین خواسته از اموال متهم صادر گردد. بدیهی است اگر در زمان درخواست دلایل پرونده مبنی بر ارتکاب جرم و ضرر به شاکی در حد کفایت باشد، در همان زمان و الا پس از تکمیل تحقیقات چنانچه نتیجه آن باشد که متهم مرتکب جرم شده و ضرر و زیان نیز به شاکی وارد شده است، معادل ضرری که وارد شده است، قرار تأمین خواسته صادر خواهد شد.

پس از صدور قرار تأمین خواسته، چنانچه نظر صادرکننده آن باشد که قرار قبل از ابلاغ اجرا شود، دستور خواهد داد رونوشتی از قرار به واحد اجرای احکام کیفری دادگستری آن شهرستان ارسال شود و چنانچه ابلاغ قرار همزمان با اجرای آن مورد نظر باشد، قاضی دادسرا در مورد ابلاغ و اجرا دستور مقتضی صادر خواهد کرد. (مهاجری، همان: ص ۳۹۱-۳۹۳)

۳: درخواست تأمین در جریان دادرسی

ممکن است شاکی در مرحله تحقیقات مقدماتی چنین تقاضایی نکرده باشد، اما این تقاضا در زمان دادرسی مطرح شود. از آنجایی که برای صدور قرار تأمین خواسته در امر کیفری قید زمان وجود ندارد، از طرف دیگر تقدیم دادخواست ضرر و زیان تا قبل از ختم دادرسی ممکن است، لذا تجویز تقدیم دادخواست ضرر و زیان دلالت دارد که ایجاد پشتوانه جهت دسترسی به خواسته این دادخواست نیز حقوق شاکی است، در صورتی که چنین درخواستی از دادگاه شود بدیهی است اتخاذ تصمیم در مورد آن از صلاحیت های دادگاه است. زیرا دادرسی با دادگاه است نه دادسرا؛ بنابراین دادگاه باید در حدود ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری اتخاذ تصمیم کند، بدیهی است چنانچه درخواست را نپذیرد قرار رد آن را صادر خواهد کرد. در هر حال تصمیم دادگاه در این مورد قطعی خواهد بود. در صورتی که شاکی میزان ضرر و زیان درخواستی را مشخص کند، به شرط وجود دلایل و مدارک کافی بر ورود ضرر و زیان، قرار تأمین خواسته صادر و در صورتی که میزان ضرر و زیان اعلام نشود، قرار رد درخواست صادر خواهد شد. قرار رد درخواست تأمین خواسته اعم از این که از سوی دادسرا یا دادگاه صادر شود، قطعی است، زیرا قانونگذار فقط قرار تأمین خواسته را قابل اعتراض دانسته است. (۳۹۷-۳۹۵)

ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «مبلغ وجه التزام، وجه الكفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت^۶ زیان دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین متناسب صادر می کند».

۴: درخواست تأمین خواسته بعد از حکم

پس از این که در مرحله دادرسی حکم صادر گردید، ممکن است شاکی از دادگاه تقاضا کند برای او قرار تأمین ضرر و زیان صادر شود. در این فرض به نظر می رسد صرفاً در مقطع واخواهی از مرحله بدوی درخواست تأمین ضرر و زیان توسط شاکی قابل طرح است چون در این مرحله دادگاه فارغ از رسیدگی نیست اما در سایر موارد قاعده فراغ حاکم است و نمی توان در حالی که دادرسی خاتمه یافته قرار تأمین ضرر و زیان صادر کرد.

۵: درخواست تأمین خواسته ضمن دادخواست ضرر و زیان

شکی نیست که درخواست تأمین ضرر و زیان در پرونده کیفری از حقوق شاکی است و شکل طرح آن مهم نیست. به عبارت دیگر فرقی نمی کند که این درخواست با لایحه تقدیم شود یا در ضمن دادخواست ضرر و زیانی باشد که به استناد مواد ۱۵ و ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری به دادگاه تسلیم می شود، بنابراین همانگونه که درخواست تأمین ضرر و زیان بدون دادخواست مستلزم پرداخت خسارت احتمالی نمی باشد، ضمن دادخواست ضرر و زیان چنین درخواستی صورت گیرد، در حدود مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ ارزیابی و نفیاً و اثباتاً در مورد آن اتخاذ تصمیم خواهد شد؛ (مهاجری، همان: ص ۳۹۷-۳۹۸) اما اگر این دادخواست، بعد از صدور حکم کیفری تقدیم شود و در ضمن دادخواست، درخواست تأمین شده باشد، شکی نیست که مورد از شمول ماده ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری خارج و مشمول ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مقررات خواهد بود؛ مگر اینکه این تقدیم دادخواست با وصف جریان دادرسی همراه باشد. که مطابق آنچه گفته شد به درخواست رسیدگی خواهد شد. بدیهی است در صورتی که درخواست تأمین خواسته بعد از صدور حکم ضرر و زیان از دادگاه بدوی مطرح شود، این درخواست تحت شرایطی قابل رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر خواهد بود (مهاجری: ۱۳۸۹: ص ۱۵۳).

ارایه دادخواست ضرر و زیان به دادسرا و دادگاه**الف: تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادسرا**

چنانچه دادخواست ضرر و زیان در پرونده کیفری واصل گردد، اگر پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد و تحقیقات در جریان باشد، برای تعیین تکلیف دادخواست و ضرر و زیان باید منتظر بمانیم تا مرحله تحقیقات مقدماتی به مرحله دادرسی منتهی شود در این حالت اگر پرونده به صدور قرار مجرمیت منتهی شود، پس از صدور کیفرخواست و طرح آن در دادگاه رسیدگی به آن مطابق ضوابط شروع خواهد شد. اگر پرونده منتهی به قرار منع یا موقوفی تعقیب شود، از آنجایی که دادسرا نمی تواند به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کند، باید دادخواست را برای رسیدگی به دادگاه ارسال نماید. شایان ذکر است در فرضی که پرونده یا کیفرخواست به دادگاه رفته باشد چون برای رسیدگی به امر کیفری وقت تعیین می شود، همان وقت باید به دادخواست ضرر و زیان نیز اختصاص داده شود.

ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم میتواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.»

ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «سقوط دعوی عمومی موجب سقوط دعوی خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتیکه دعوی خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.»

در صورتی که نظر دادگاه بر براءت یا منع تعقیب باشد ظاهر ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری دلالت دارد، که دادگاه باید حکم دعوای ضرر و زیان را به عنوان یک دعوای خصوصی صادر کند. قبلاً نیز رأی وحدت رویه شماره ۶۴۹ مورخ ۷۹/۷/۵ بیان داشته بود در صورت براءت، منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب نیز دادگاه باید به ادعای ضرر و زیان رسیدگی کند. (مهاجری، ۱۳۹۴: ص ۴۰۴-۴۰۵)

ب: دادخواست ضرر و زیان بعد از کیفر خواست

پس از این که کیفر خواست در دادگاه مطرح شد، دادگاه برای رسیدگی به امر کیفری وقت رسیدگی تعیین می کند. پس از تعیین وقت رسیدگی ممکن است دادخواست ضرر و زیان تقدیم شود. این صورت از دو حال خارج نیست؛ یا اینکه فاصله بین زمان تقدیم دادخواست و زمان تعیین شده برای دادرسی در حدی است که ابلاغ دادخواست به متهم ممکن است.

حالت بعد آن است که زمان کافی برای ابلاغ دادخواست وجود ندارد. در این حالت سه راهکار به ذهن می رسد: راهکار اول آن است که دادخواست ضرر و زیان تکمیلماً ضمیمه پرونده می گردد و اگر ناقص باشد اخطار رفع نقص صادر و ارسال می شود و در روز دادرسی کیفری اگر متهم حاضر بود نسخه دادخواست و ضامناً به او تحویل، چنانچه تأخیر جلسه را نخواهد در مورد دادخواست نیز رسیدگی می شود و اگر تأخیر جلسه رسیدگی را بخواهد، درخواست او فقط در مورد دادخواست ضرر و زیان پذیرفته خواهد شد نه پرونده کیفری.

راهکار دوم آن است که وقت دادرسی به وقت طولانی تبدیل گردد و برای آن وقت، طرفین دعوت و نسخه ثانی دادخواست و ضامناً برای متهم ارسال شود. اتخاذ ملاک از ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی راهکار دوم را تأیید می کند. راهکار سوم آن است که ما برای دادخواست ضرر و زیان وقت مجزا از پرونده کیفری تعیین کنیم، اینکه کدام یک از این سه راهکار منطقی تر است باید گفت راهکار دوم متضمن تعویق رسیدگی به امر جزایی به خاطر دادخواست ضرر و زیان است در حالی که ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری تأخیر رسیدگی به امر کیفری به خاطر امر مدنی مجاز نیست، راهکار سوم نیز متضمن رسیدگی جداگانه به هر یک از دو امر مدنی و کیفری است در حالیکه مطابق مواد ۱۵ و ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصل آن است که هر دو دعوا توأمأ رسیدگی شود مگر در موارد خاص و این مورد جزء موارد خاص نیست. نتیجه آنکه به نظر می رسد راهکار اول منطقی تر باشد بدیهی است اگر متهم آمادگی پاسخگویی را نداشته باشد و جنبه کیفری آماده رأی باشد در مورد امر کیفری انشاء رأی خواهد شد و در مورد امر مدنی وقت تعیین خواهد گردید؛ چرا که در امر مدنی فاصله ابلاغ پنج روزه مذکور در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز لازم است. (مهاجری، ۱۳۹۴: ص ۴۰۶-۴۰۸)

ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی: «دادخواست جلب شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضامناً باید به تعداد اصحاب دعوا بعلاوه یک نسخه باشد»^۱

ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تأدیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری^۱ مطالبه ضرر و زیان میکند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی میکند از پرداخت هزینه شکایت معاف میشود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. به گزارش خبرگزاری تسنیم، در ادامه این ماده آمده است: رسیدگی به امر کیفری را نمیتوان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت. مگر آنکه محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم به از اعسار گردد.

تبصره - پس از صدور حکم و هنگام اجرای آن، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است هزینه دادرسی را از محل محکوم به استیفاء کند».

ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی: «مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل^۱ باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده می نماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد».

مقام قضایی صادرکننده قرار تأمین خواسته**الف: صدور قرار تأمین خواسته توسط بازپرس**

یکی از اختیارات بازپرس صدور قرار تأمین خواسته است. در مورد این که آیا قرار تأمین خواسته صادره بازپرس به تأیید دادستان نیاز دارد یا خیر قانون آیین دادرسی کیفری جدید ساکت است؛ اما ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری بیان نموده است قرارهای بازپرس قابل اعتراض است، و قرار تأمین خواسته یکی از این قرارهاست. چنانچه معتقد باشیم قرار تأمین خواسته بازپرس نیازمند کسب نظر دادستان است، این مشکل پیش می آید که چنانچه بین این مقام اختلاف ایجاد شود و پرونده به دادگاه ارسال گردد. چه بسا دادگاه دخالت خود را نیازمند تصریح قانون بداند و در نتیجه خود را فارغ از اظهار نظر اعلام کند. در این فرض پرونده در مورد تأمین خواسته با بن بست رو به رو خواهد شد؛ بنابراین به نظر می رسد کسب نظر دادستان لازم نیست آنچه که این استدلال را تقویت می کند آن است که قرار تأمین خواسته جریان تحقیقات بازپرس و تعقیب متهم در امر کیفری را قطع نمی کند تا نیاز باشد دادستان به عنوان مقام تعقیب در مورد آن اظهار نظر کند.

ب: مطلع کردن دادستان از قرار تأمین خواسته

همانگونه که بیان شد قرار تأمین خواسته پس از صدور و ابلاغ قابل اجرا بوده و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری ۲ می باشد. ممکن است اوضاع و احوال اقتضا کند که قرار تأمین خواسته قبل از ابلاغ اجرا شود. به عنوان مثال به علت فراری بودن متهم ابلاغ فوری به او ممکن نیست و یا در فرض فراری نبودن متهم، تأخیر در اجرای تأمین خواسته موجب تضییع حق شاکی می شود. در این موارد ابتدا قرار تأمین خواسته اجرا و سپس ابلاغ خواهد شد؛ اما قاضی دادسرا باید دادستان را از موضوع مطلع کند؛ بنابراین اعلام به دادستان صرفاً از جهت اطلاع او خواهد بود. دادستان یا دادیار اظهار نظر حق مخالفت نخواهند داشت، بلکه اطلاع و استحضار خود از موضوع را گواهی خواهند کرد. (مهاجری، همان: ص ۳۹۸ - ۴۰۰).

اجرای، رفع ابهام و قابلیت اعتراض به قرار تأمین خواسته

الف: اجرای قرار تأمین خواسته

برابر ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری اجرای قرار تأمین خواسته بدین نحو پیش بینی گردیده است: «قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجراء می شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می شود، ابتداء قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادسرای مربوط اجراء می شود.» (خالقی، ۱۳۹۴: ص ۱۱۱). به موجب ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ (اعم از قانونی یا واقعی) به مرحله اجرا گذاشته می شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نباشد و تأخیر در اجرا موجب تضییع خواسته شود، ابتدا قرار تأمین اجرا و سپس ابلاغ می شود. این موارد فوراً به اطلاع دادستان می رسد.

قسمت اخیر ماده ۱۰۹ قانون جدید و در قوانین قبلی آیین دادرسی کیفری مسبوق به سابقه نمی باشد. به نظر می رسد که قانونگذار در راستای تضمین مالی حقوق بزه دیده (شاکی) این مقرر را وضع نموده است تا پس از این صدور حکم محکومیت متهم، از محل فروش اموال توقیف شده وی بتوان محکوم به و ضرر و زیان شاکی را وصول و پرداخت نمود. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۵: ص ۱۸۳)

ب: رفع ابهام از قرار تأمین خواسته

در صورت بروز هرگونه ابهام در متن قرار تأمین خواسته رفع ابهام به عهده بازپرس صادرکننده قرار بوده و رفع اشکالات در حوزه اجرای قرار تأمین خواسته به عهده قاضی اجرای احکام کیفری می باشد. این موضوع در ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری چنین پیش بینی گردیده: «رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می آید.»

بنابراین اصل اجرای قرار نیز به عهده معاونت اجرای احکام کیفری در دادسرا (ماده ۴۸۴) بوده و توسط قاضی اجرای احکام کیفری صورت می‌گیرد (ماده ۱۰۹). (خالقی، ۱۳۹۴: ص ۱۱۱)

ج: قابل اعتراض بودن قرار تأمین خواسته

در خصوص بحث قابل اعتراض بودن قرار تأمین خواسته با دو نوع اعتراض مواجه بوده: یکی اعتراض متهم به قرار تأمین خواسته که به موجب بند ج ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری برای متهم پیش بینی گردیده است و دیگری اعتراض ثالث به توقیف اموال که به موجب قانون مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی پیش بینی گردیده و هر دو مورد بررسی قرار خواهد گرفت، این حکم براساس ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر گردیده است.

اولاً، قابل اعتراض بودن قرار تأمین خواسته از سوی متهم: در مورد بازپرس هر چند قرار های نهایی او به نظر دادستان می‌رسد و قرار تأمین خواسته از آنهاست، اما این قرار قطعی نخواهد بود. دلیل این مطلب بند «ج» ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد که در آن، قرار تأمین خواسته قابل اعتراض دانسته شده است.

در صورتی که دادیار قرار تأمین خواسته صادر کند این قرار از لحاظ اجرا و ابلاغ و قابلیت اعتراض، همچون قرار صادره بازپرس خواهد بود. در صورتی که نسبت به قرار تأمین خواسته اعتراض شود رسیدگی به این اعتراض مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نخواهد بود.

ممکن است اعتراض خارج از مهلت باشد در این صورت نیز باید به دادگاه ارسال گردد. لکن دادگاه به جهت خارج از مهلت بودن اعتراض، آن را رد خواهد کرد. (مهاجری، همان: ص ۳۹۴-۳۹۵)

ثانیاً، اعتراض ثالث نسبت به اموال توقیف شده: ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌نماید: «چنانچه شخص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته اعتراض داشته باشد، باید به دادگاه حقوقی مراجعه شود و دادخواست اعتراض ثالث بدهد و دادگاه مکلف است مطابق مقررات اجرای احکام مدنی به این خواسته رسیدگی نماید». دادگاه کیفری باید به اعتراض ثالث براساس مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی به شرح ذیل عمل می‌نماید به دلیل این که پرداخت به تفصیل از حوصله بحث این مقاله خارج است اجمالاً به بررسی اعتراض ثالث در حوزه اجرای احکام مدنی پرداخته می‌شود.

از عنوان فصل پنجم قانون اجرای احکام مدنی مشخص است، اعتراض شخص ثالث نسبت به توقیف مال موضوع بحث است. (مهاجری، ۱۳۸۸: ص ۲۲۰) براساس مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی هرگاه شخص ثالث نسبت به مال توقیف شده اظهار حقی نماید، اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است، توقیف رفع می‌شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می‌تواند به دادگاه شکایت کند. شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می‌شود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می‌شود و دادگاه به دلایل شخص ثالث و طرفین دعوا به هر

ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «اجرای احکام کیفری برعهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رئیس^{۱۱} قوه قضائیه تشخیص میدهد، در دادسرای عمومی عهده‌دار این وظیفه است.

تبصره ۱- معاونت اجرای احکام کیفری، می‌تواند در صورت ضرورت دارای واحد یا واحدهای تخصصی برای اجرای احکام باشد.

تبصره ۲- معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن می‌تواند با تصویب رئیس قوه قضائیه در زندان‌ها و یا مؤسسات کیفری مستقر شود. شیوه استقرار و اجرای وظایف آنها به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه میشود و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.

تبصره ۳- در حوزه قضائی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرسی علی‌البدل است.»

بند ج ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: پ - قرار تأمین خواسته به تقاضای^{۱۲} متهم.»

نحوه و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می کند و در صورتی که دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف شکایت صادر می کند. اگر معترض ثالث خواهان رفع توقیف باشد دادگاه می تواند با اخذ تامین مبادرت به صدور دستور رفع توقیف نماید و در صورتی که محکوم له از مال معرفی شده صرفنظر نماید رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث موقوف خواهد شد.

اصولاً هدف از اجرا، چیزی جز احقاق حق محکوم له نیست که این امر با عملیات اجرایی مفاد حکم در خارج عینیت می یابد. منظور از اجرا نیز همه اقداماتی است که از تاریخ صدور دستور اجرا، شروع و تا پایان عملیات اجرایی انجام می گیرد. بدون شک اقدامات قانونی مزبور نباید به کسی ضرر و زیان برساند. اما بعضاً دیده شده که به دلایل و انحاء گوناگون از جمله نداشتن حسن نیت، اشتباه، اغراض و... اشخاص در حالی که هیچ گونه تقصیری ندارند متضرر می شوند. اینجاست که قانونگذار برای اشخاص ثالث زیان دیده راهی برای دفاع و جلوگیری از تضییع حقوق خود و مراجعه به مرجع قضایی پیش بینی کرده که در اسرع وقت به ادعای شخص یا اشخاص ثالث رسیدگی شود. (صدرزاده افشار، ۱۳۹۰: ص ۴۷۷-۴۸۸)

موارد صدور دستور رفع قرار تأمین خواسته

در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم از قرار تأمین خواسته رفع اثر می شود (ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری) بدیهی است که رفع اثر از قرار تأمین خواسته توسط دادگاه کیفری به عمل می آید. «گلدوست جویباری؛ همان: ص ۱۸۳» به موجب اصل مذکور در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی از جمله تقدیم دادخواست و تودیع هزینه دادرسی است مگر در مواردی که در قانون مذکور و ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری استثنا شده است. با توجه به توضیحات مذکور، در مواردی که مطالبه خواسته (ضرر و زیان ناشی از جرم) به تقدیم دادخواست نیاز دارد (که اصل هم بر همین است)، شاکی باید تا قبل از اعلام ختم دادرسی بدوی دادگاه، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تسلیم نموده باشد؛ در غیر این صورت به درخواست متهم نه اینکه رأساً، از قرار تأمین رفع اثر می شود.

مبنای این ماده روشن است. همان طور که می دانیم قرار تأمین خواسته، راهکاری برای جلوگیری از تضییع حقوق ادعایی بزه دیده است. لذا بزه دیده باید این ادعای خود را در دادگاه با تقدیم دادخواست مطالبه و اثبات نماید؛ در غیر این صورت، به درخواست متهم از قرار تأمین خواسته، رفع اثر می شود

در صورتی که به جهتی از جهات قانونی، تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر شود و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود، پس از قطعیت رأی و اجرای آن، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می شود.^{۱۴} در موارد زیر، پس از قطعیت رأی و اجرای آن، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می شود (چه متهم آن را درخواست کند یا نکند):
 ۱. به جهتی از جهات قانونی، منظور از این جهات موارد مذکور در ماده ۱۳^{۱۵} قانون آیین دادرسی کیفری تعقیب متهم موقوف می شود.

ماده ۱۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری^{۱۴}.

ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمیشود، مگر در موارد زیر:

الف - فوت متهم یا محکوم علیه

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

۲. در صورت صدور قرار منع تعقیب (جرم نبودن عمل ارتكابی یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم). (قانون یار چتر دانش، ۱۳۹۵:ص ۱۱۹-۱۲۰)

۳. مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، بدین منظور که صدور قرار ترک تعقیب (مذکور در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری) یا صدور قرار تعلیق تعقیب (مذکور در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری) می باشد. بدیهی است که در چنین مواردی، رفع

ث - شمول مرور زمان در موارد پیشبینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیشبینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم

تبصره ۱- درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.

تبصره ۲- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضائی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.»

ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از أخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با أخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در اینصورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند:

الف - ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده

ب- ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه

پ - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یکسال

ت - خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یکسال

ث - معرفی خود در زمانهای معین به شخص یا مقامی به تعیین دادستان، حداکثر به مدت یکسال

ج - انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه با تعیین دادستان، حداکثر به مدت یکسال

چ - شرکت در کلاسها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک سال

ح - عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یکسال

خ - عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال

د - عدم ارتباط و ملاقات با شرکاء جرم و بزه‌دیده به تعیین دادستان، برای مدت معین

ذ - ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه

اثر از قرار تأمین خواسته توسط دادیار، بازپرس یا دادستان رسیدگی کننده به پرونده اتهامی به عمل می آید. (۱۸۴). «گلدوست جویباری؛ همان: ص ۱۸۴»

رابطه تأمین مدنی و تأمین کیفری

قانونگذار در ماده ۱۳۶ قانون سابق آیین دادرسی کیفری یکی از ملاک های مؤثر در مبلغ قرار تأمین را ضرر و زیان مادی وارده به شاکی خصوصی قرار داده بود، ضرر و زیان مادی وارده به شاکی خصوصی قرار داده بود، ضرر و زیان مادی وارده به شاکی خصوصی جرم است و برای پشتیبانی از جنبه خصوصی جرم و ایجاد پشتوانه برای جبران زیان شاکی، قانونگذار تأسیسی بنام قرار تأمین خواسته قرار داده است. سؤال این است که اگر قرار تأمین کیفری با لحاظ ضرر و زیان وارده به شاکی خصوصی صادر شده باشد و یا ابتدائاً قرار تأمین خواسته برای ایجاد پشتوانه جهت جبران ضرر و زیان شاکی خصوصی صادر و اجرا گردیده باشد، در صورت قرار بعدی تأمین کیفری مبلغ قرار قبلی از میزان قرار بعدی کاسته خواهد شد یا خیر؟ با توجه به اینکه حکم ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری سابق در ماده ۲۱۹ قانون جدید پیش بینی شده، بررسی پاسخ سؤال و نتیجه گیری از آن در حقوق متهم مؤثر است.

در پاسخ به سوال یک استدلال آن است که به اعتبار ماده ۲۱۹ قانون جدید آیین دادرسی کیفری تکلیف قانونی بازپرس توجه کردن به ضرر و زیان شاکی است؛ صرف نظر از اینکه قبلاً قرار تأمین خواسته صادر شده یا نشده باشد زیرا در ماده ۲۱۹ قانون جدید آیین دادرسی کیفری بازپرس، لحاظ کردن مبلغ ضرر و زیان شاکی در قرار تأمین کیفری مورد تأکید قرار گرفته است و لحاظ کردن این ضرر و زیان به عدم صدور قبلی قرار تأمین خواسته منوط نشده است، نتیجه این استدلال این است که در واقع نسبت به جنبه مالی جرم تضمین مضاعف از متهم اخذ می شود یکی قرار تأمین خواسته و دیگری تأمین کیفری؛ زیرا نصی وجود ندارد که با لحاظ ضرر و زیان قرار تأمین کیفری، حق درخواست تأمین خواسته از شاکی ساقط شود.

استدلال دوم آن است که در راستای تحقق عدالت ترمیمی هدف قانونگذار توجه به جنبه خصوصی جرم و ایجاد تضمین کافی برای اعاده وضع مالی بزه دیده به قبل از زمان ارتکاب جرم است و در جایی که به یکی از دو روش این تضمین ایجاد شده است در واقع موجب ضرر و ایجاد پشتوانه برای جبران ضرر و زیان در تأمین بعدی منتفی گردیده و به همین جهت چنانچه یکی از دو قرار ابتدائاً صادر شده باشد و بر این مبنا مبلغ ضرر و زیان لحاظ گردیده باشد، در قرار بعدی دلیلی بر لحاظ ضرر و زیان شاکی وجود نخواهد داشت و لایحه جدید در تبصره ماده ۱۰۷ نیز یک فرض را تعیین تکلیف نموده است و آن فرضی است که

تبصره ۱- در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضائی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقاء میکند. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادره تصریح کند.

تبصره ۲- قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

تبصره ۳- هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سر گرفته می شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی شود.

تبصره ۴- بازپرس میتواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند.

تبصره ۵- در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود، دادگاه میتواند مقررات این ماده را اعمال کند.

تبصره ۶- قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می گردد.

قبل از صدور قرار تأمین کیفری قرار تأمین خواسته صادر و اجرا گردیده باشد که در این صورت در قرار تأمین بعدی این موضوع باید مدنظر قرار گیرد. از آنجایی که این حکم قانونگذار جمع بین دو قرار تأمین خواسته و تأمین کیفری را با فرض صدور قبلی تأمین خواسته از جنبه لحاظ همان مبلغ غیرممکن دانسته دلیلی است بر عدم امکان لحاظ دو تضمین برای یک خسارات. البته سوال آن است که این حکم در رابطه عکس قابل اجرا می باشد یا خیر؟ یعنی اگر تأمین کیفری قبل از تأمین خواسته صادر شده باشد، تصمیم مرجع قضایی به چه نحو است؟ در پاسخ باید گفت اگر معتقد باشیم در فرض صدور قرار تأمین خواسته تا زمانی که قرار اجرا نشده است بنا به مفهوم تبصره ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار تأمین کیفری با لحاظ ضرر و زیان شاکی خصوصی صادر خواهد شد. در این فرض ضرورت دارد پاسخی برای درخواست بعدی شاکی جهت اجرای قرار تأمین خواسته با توجه به اصول حقوقی بیابیم. در مقام پاسخگویی به این سؤال یک استدلال آن است که قرار تأمین اجرا نخواهد شد زیرا اگر چه قانون جدید نسبت به موضوع ساکت است اما مطابق ماده ۱۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی به علت لحاظ شدن ضرر و زیان شاکی در تأمین کیفری فی الواقع موجب تأمین مدنی مرتفع شده است و در این حالت نه تنها قرار تأمین خواسته منتهی به توقیف مال جدید از متهم نخواهد شد بلکه ملغی الاثر شدن آن اعلام خواهد گردید.

استدلال دوم نیز آن است که منع قانونگذار صرفاً ناظر به مواردی است که ابتدا قرار تأمین خواسته صادر و اجرا شده باشد و در فرض سوال قرار تأمین خواسته ای اجرانشده تا بتوان بر چشم پوشی از مبلغ ضرر و زیان شاکی در قرار تأمین کیفری سخن گفت و از آن جایی که اصل آن است که قرار تأمین کیفری باید به لحاظ ضرر و زیان صادر شود و لحاظ این ضرر و زیان در قرار بنا بر حکم قانونگذار است موجبی جهت عدم قرار تأمین خواسته وجود ندارد و مرجع قضایی موظف است با درخواست شاکی اموال متهم را توقیف کند.

استدلال سوم آن است که چنانچه قرار تأمین کیفری صادره منتهی به بازداشت متهم شده باشد، اجرای قرار تأمین خواسته قبلی منافاتی با اصول حقوقی نخواهد داشت چرا که به علت عجز متهم از تأدیه تأمین مالی، ضرر و زیانی مورد لحاظ قرار نگرفته است از طرفی این ضرر و زیان بدون پشتوانه مانده است اجرای قرار تأمین خواسته می تواند این کاستی را جبران کند، اما در فرض قرار تأمین کیفری با تأدیه تأمین مالی یا تعهد ثالث و قبولی آن ایجاد شده باشد. لذا در این فرض به منظور اجتناب از تأمین مالی مضاعف قرار تأمین خواسته قبلی اجرا نخواهد شد. این که کدام یک از سه راهکار موجه تر است با فرض اینکه در راهکار سوم اجرای قرار تأمین خواسته قبل از تأدیه تأمین توسط متهم صورت گرفته باشد، باید در نتیجه اجرای قرار تأمین خواسته تأمین کیفری تخفیف یابد تا از اخذ تأمین مالی مضاعف اجتناب شود. با این فرض به نظر ما راهکار سوم موجه تر است. (مهاجری، همان: ص ۴۰۱-۴۰۴)

صدور قرار تأمین خواسته در مورد عین و سند تجاری چک

الف: تأمین خواسته عین معین

ممکن است شکایت شاکی راجع به عین معین باشد. مثلاً شاکی از متهم به علت خیانت در امانت نسبت به یک دستگاه اتومبیل شکایت کند، بدیهی است در اینجا موضوع شکایت عین معین است در این صورت اگر شاکی تقاضای تأمین اتومبیل را مطرح کند این تقاضا مشمول ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری بوده و براساس قواعدی که قبلاً بیان شد حسب مورد دادسرا و دادگاه به این تقاضا رسیدگی و قرار تأمین و توقیف اتومبیل را صادر و چنانچه دلیل و مدرکی دال بر صحت ادعای شاکی وجود نداشته باشد قرار رد درخواست شاکی را صادر خواهد کرد.

ماده ۱۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی: «در صورتی که موجب تأمین مرتفع گردد دادگاه قرار رفع تأمین را خواهد داد. در صورت صدور حکم قطعی علیه خواهان یا استرداد دعوای دادخواست، تأمین خود به خود مرتفع می شود.»

ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان^۱ شاکی از سایر اموال و دارایی های متهم توقیف می کند.»

ب: قرار تأمین ضرر و زیان در چک

به استناد ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین بند «ن» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب صدور قرار تأمین ضرر و زیان در مورد چک نیز ممکن است. بنابراین شاکی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را تقاضا کند این تأمین اولاً: نیاز به دادخواست ندارد، ثانیاً: هزینه دادرسی نیز به در خواست تعلق نمی گیرد، ثالثاً: خسارات احتمالی نیز نمی خواهد، در چکی که با یک امضاء توسط صاحب حساب صادر گردیده، با توجه به اینکه تقاضای شاکی مبتنی بر ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری است در صورتی که این شکایت مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد، قرار تأمین صادر خواهد شد. شایان ذکر است قابلیت اعتراض مذکور مستند به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری است.

در صورتی که چک مورد شکایت، چک ارزی باشد و شاکی پس از شکایت صدور قرار تأمین خواسته معادل وجه چک را تقاضا کرده باشد، مرجع رسیدگی باید قیمت ارز مندرج در چک را از بازار استعمال، و معادل مبلغی که در نتیجه استعمال به دست می آید، قرار تأمین خواسته صادر نماید.

۱. قرار تأمین خواسته در چک ارزی

در صورتی که چک مورد شکایت، چک ارزی باشد و شاکی پس از صدور قرار تأمین خواسته معادل وجه چک را تقاضا کرده باشد، مرجع رسیدگی باید قیمت ارز مندرج در چک را از بازار استعمال و معادل مبلغی که به دست می آید، قرار تأمین خواسته صادر نماید.

۲. تأمین خواسته در چک دو امضایی

قانون صدور چک برای میزان مسئولیت هر یک از صادرکنندگان در قرار تأمین خواسته حکمی ندارد تنها ملاکی که در قانون صدور چک ذکر گردیده بود در ماده ۱۸ اصلاحی سال ۷۲ بود که سهم هریک از صادرکنندگان را در قرار وجه الضمان معلوم کرده بود، اما این ماده نیز در اصلاحات سال ۸۲ قانون مذکور نسخ شد ولی چون تضامن خلاف اصل است تصریحی در مورد مسئولیت تضامنی بین صادرکنندگان متعدد چک وجود ندارد لذا باید گفت چنانچه میزان مسئولیت هریک معلوم باشد، فرض بر تساوی مسئولیت است، و از این فرض باید برای تأمین خواسته نیز استفاده کرد. شایان ذکر است در صورتی که میزان مسئولیت هر یک از صادرکنندگان مشخص باشد، قرار تأمین خواسته نیز معادل همان مسئولیت برای هر یک صادر خواهد شد.

۳. تأمین خواسته در چک به نمایندگی

تبصره ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری صریحاً از اموال متهم نام برده است. در جایی که چک به نمایندگی صادر شده است اگر موکل موجب عدم پرداخت شده باشد و متهم خواهد بود اما اگر متهم پرونده به عنوان امضاکنده چک دارای مسئولیت کیفری باشد، سوال این است که تأمین خواسته باید از اموال متهم به عمل آید یا از اموال کسی که متهم به نمایندگی از او چک را امضاء کرده است؟ در پاسخ سه راه حل به نظر می رسد:

۱- به دلالت مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری تأمین خواسته از اموال متهم به عمل می آید؛ بنابراین در فرض سوال باید قرار تأمین خواسته از اموال صادرکننده چک به عمل آید. اداره حقوقی در سال ۱۳۵۳ اعلام کرده است: به دلالت ماده ۶۸ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۱۰۷ فعلی) ضرر و زیان شاکی پرونده را فقط از اموال متهم می توان تأمین کرد. بنابراین در صورتی که مدیر عامل شرکتی متهم به صدور چک بی محل به عهده شرکت باشد اموال شرکت را نمی توان به عنوان تأمین خواسته در پرونده کیفری توقیف کرد.

ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است: الف- قرار منع و موقوفی تعقیب و انطه به^۲ تقاضای شاکی ب - قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم پ - قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم.

تبصره: مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یکماه از تاریخ ابلاغ است.»

۲- مدیر شرکت تجاری به عنوان نماینده شرکت چک را امضا می کند گرچه تحت شرایطی مسئولیت کیفری دارد، اما مسئولیت مدنی به هر حال متوجه شرکت است و تأمین خواسته نیز در ارتباط با جنبه مدنی است؛ بنابراین نباید اموال متهم تأمین شود بلکه اموال شرکت (موکل) تأمین خواهد شد. ماده ۶۷۶ قانون مدنی نیز می تواند توجیه این استدلال باشد. ماده ۱۸۴ قانون کار نیز در همین جهت است. این ماده بیان می دارد در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد، خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود ولی مسئولیت جزایی متوجه مدیرعامل است.

۳- مسئولیت کیفری متوجه شخص امضاکننده است، اما مسئولیت مدنی هم متوجه نماینده و هم متوجه موکل است، مؤید این استدلال ماده ۱۹ قانون صدور چک است. بنابراین باید قرار تأمین خواسته به نحو تضامن علیه هر دو صادر شود. ممکن است گفته شود صحیح آن است که در قرار تأمین خواسته نیز اگر عدم پرداخت مستند به صاحب حساب باشد قرار تأمین خواسته علیه او و اگر دلیلی بر انتساب عدم پرداخت به صاحب حساب موجود نباشد باید علیه هر دو (امضاکننده و صاحب حساب) به نحو تضامن صادر شود. اما این نتیجه گیری با ظاهر ماده ۱۹ سازگار نیست. چراکه مسئولیت مدنی صاحب حساب تحت هر شرایط برقرار است و ماده ۱۹ قانون صدور چک تنها مسئولیت کیفری صاحب حساب را مشروط به این امر نموده است که عدم پرداخت مستند به عمل او باشد ولی مسئولیت تضامنی امضاءکننده و صاحب حساب قید و شرطی ندارد.

این که کدامیک از سه راه حل موجه تر است باید گفت نباید فراموش کنیم که قرار تأمین خواسته در پرونده کیفری مورد بحث ما است و قرار تأمین خواسته علیه کسی صادر می شود که عمل او واجد جنبه جزایی بوده و در مورد مثال از آنجایی که طبق ماده ۱۹ قانون صدور چک اصل بر مسئولیت کیفری امضاءکننده چک است و چنانچه اثبات کند عدم پرداخت مستند به عمل موکل (صاحب حساب) است، به اعتبار مسئولیت کیفری موکل، قرار تأمین خواسته نیز علیه وی صادر خواهد گردید. (مهاجری، ۱۳۹۴: ص ۴۰۸-۴۱۳)

نتیجه گیری

قرار تأمین خواسته کیفری یکی از قرارهای تمهیدی است که منظور از آن وثیقه و تضمینی که مدعی از اموال مدعی علیه قبل از صدور حکم به نفع خویش و حتی پس از صدور حکم می تواند از طریق دادسرا و دادگاه درخواست نماید این قرار در زمره قرارهایی که تضمین کننده حقوق بزه دیده می باشد و بازپرس به طور مستقل و بی نیاز از این که این قرار را به تأیید دادستان برساند می تواند آن را صادر نماید گرچه در این مقصود اختلاف نظرها وجود دارد اما باید گفت که این قرار همانند سایر قرارهای بازپرس دارای ماهیتی مجازاتی نمی باشد که نیازمند موافقت دادستان باشد. آنچنان که صدور این قرار از سوی دادبار نیز تجویز گردیده است. شرایط صدور این قرار تابع شرایط صدور قرار تأمین خواسته در آیین دادرسی نمی باشد و در سایر مراحل قابلیت طرح دارد. این قرار برخلاف سابق که قطعی و غیرقابل اعتراض بود اکنون به از سوی متهم قابل اعتراض است و در صورت صدور این قرار به اشتباه علیه متهم و متحمل ضرر و زیان شدن وی ضمانت اجرای پرداخت جریمه جهت جبران در نظر گرفته شده است. نهایتاً باید بیان نمود که در امور کیفری تقاضای قرار تأمین خواسته و صدور آن سهل تر از گیر افتادن در تشریفات صدور قرار تأمین خواسته در امور مدنی می باشد هر چند در امور کیفری هم تابع شرایط خاصی می باشد.

ماده ۶۷۶ قانون مدنی: «حق الوکاله وکیل تابع قرارداد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت به حق الوکاله یا مقدار آن قرارداد نباشد تابع عرف و عادت است اگر عادت مملی^۱ نباشد وکیل مستحق اجرت المثل است.»

ماده ۱۸۴ قانون کار: «در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد اجرت المثل کار انجام شده و طلب و خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت^۲ شود، ولی مسئولیت جزای اعم از حبس، جریمه نقدی و یا هر دو حالت متوجه مدیرعامل یا مدیر مسئول شخصیت حقوقی است که تخلف به دستور او انجام گرفته است و کیفر درباره مسئولین مذکور اجرا خواهد شد.»

پیشنهادات

۱. از مواردی که به نظر می‌رسد بهتر است که پیش‌بینی گردد این است که صدور قرار تأمین خواسته را چون منجر به توقیف مال از متهم می‌شود با صدور از سوی بازپرس به تأیید دادستان برسد چرا که در راستای اصل تفسیر به نفع متهم می‌تواند تضمین‌کننده حقوق متهم باشد و از تضییع متهم به اشتباه جلوگیری به عمل آید.
۲. پیش‌بینی تودیع خسارت احتمالی از سوی شاکی تا وی را از طرح تأمین خواسته به منظور ایذای متهم جلوگیری شود.

فهرست منابع

۱. آخوندی، (م) ۱۳۷۷؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۲، چاپ پنجم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آشوری، (م) ۱۳۸۸؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۳، چاپ دهم، انتشارات سمت.
۳. انصاری، (م) و طاهری، (م) ۱۳۸۹؛ دانشنامه حقوق خصوصی، چاپ اول انتشارات محراب فکر.
۴. جعفری لنگرودی، (م) ۱۳۷۸؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۵. خالقی، (ع) ۱۳۹۰؛ آیین دادرسی کیفری، چاپ دهم، انتشارات شهردانش.
۶. خالقی، (ع) ۱۳۹۳؛ نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، انتشارات شهر دانش.
۷. دهخدا، (ع) ۱۳۷۲؛ لغت نامه، دوره ۱۴ جلدی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. شاملو احمدی، (م) ۱۳۸۳؛ دادسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان، چاپ اول، نشر دادیار.
۹. شمس، (ع) ۱۳۸۱؛ آیین دادرسی مدنی، ج ۲، چاپ دوم، انتشارات دراک.
۱۰. شمس، (ع) ۱۳۸۱؛ آیین دادرسی مدنی، ج ۳، چاپ دوم، انتشارات دراک.
۱۱. شمس، (ع) ۱۳۷۵-۱۳۷۴؛ «تأمین» در تأمین خواسته، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۴-۱۳۷۵، شماره ۱۶-۱۷.
۱۲. صانعی، (پ) ۱۳۷۹؛ ترجمه ماتیکان هزارستان، مجله حقوق مردم، سال هشتم، شماره ۳۱.
۱۳. صدرزاده افشار، (م) ۱۳۹۰؛ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ یازدهم، نشر جهاد دانشگاهی.
۱۴. قانون یار چتر دانش، ۱۳۹۵؛ آیین دادرسی کیفری، چاپ هفدهم، نشر چتر دانش.
۱۵. گلدوست جویباری (ر) ۱۳۹۵؛ آیین دادرسی کیفری، چاپ ششم، نشر جنگل.
۱۶. معین، (م) ۱۳۶۰؛ فرهنگ فارسی، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. مهاجری، (ع) ۱۳۹۴؛ آیین رسیدگی در دادسرا (۱)، چاپ دهم، انتشارات فکر سازان.
۱۸. مهاجری، (ع) ۱۳۸۹؛ آیین قضاوت در محاکم ایران، چاپ پنجم، نشر فکر سازان.
۱۹. مهاجری، (ع) ۱۳۸۸؛ شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، ج ۲، چاپ چهارم، نشر فکر سازان.
۲۰. وانوشه پور (م) ۱۳۸۱؛ شرایط و موارد صدور قرار تأمین خواسته، چاپ سوم، انتشارات خط.